بسم الله الرحمن الرحيم

معاونت آموزش قوه قضائیه

ضمان قهری

الزامات قانونی خارج از قرارداد

جلد دوم در اتلاف و تسبیب و استیفاء

آموزش خاص اعضای شورای حل اختلاف(٤١)

اداره کل آموزش کارکنان اداری قوه قضائیه
اداره آموزش شورای حل اختلاف
۱۳۸۷

شناسنامه کتاب :

نام کتاب: الزامات قانونی خارج از قرارداد (ضمان قهری) جلد دوم در اتلاف و تسبیب و استیفاء

محقق: هوشنگ آبروشن

بازنویسی و اصلاح: مهدی خالصی

کارشناسی و تنظیم: معصومه حاجی صادقلو

نظارت: ابوالفضل نیکوکار

تایپ: دبیرخانه مرکزی

صفحه آرایی: سمیه شاگردی

فهرست مطالب

مقدمه ۱

فصل اول: اتلاف و احکام آن ۳

مبحث اول: تعریف اتلاف و مبنای فقهی آن ۳

مبحث دوم: احکام اتلاف ۵

گفتار اول: شرایط تحقق مسؤولیت ۶

گفتار دوم: شیوه ی جبران خسارت ۸

گفتار سوم: نمونه‌ای از آرای شورای حل اختلاف درخصوص اتلاف ۹

فصل دوم: تسبیب و احکام آن ۱۱

مبحث اول: مبنای فقهی ضمان در تسبیب ۱۱

مبحث دوم: احکام تسبیب ۱۴

گفتار اول: شرایط تحقق ضمان در تسبیب ۱۴

گفتار دوم: اسباب سقوط ضمان در تسبیب ۲۵

گفتار سوم: تصادم وسایل نقلیه ۲۸

گفتار چهارم: آثار مسؤولیت مدنی ۲۹

گفتار پنجم: نمونه‌ای از آرای شورای حل اختلاف درخصوص تسبیب ۲۹

فصل سوم: استیفاء ۳۱

مبحث اول: مفهوم استیفاء ۳۱

مبحث دوم: شرایط ایجاد التزام ۳۲

الف- استیفاء از عمل غیر ۳۲

ب- استیفای از مال غیر ۳۳

ج- نمونه رأی شورای حل اختلاف در خصوص استیفاء ۳۴

منابع ۳۵

مقدمه

ضمان قهری در فصل دوم از باب دوم کتاب قانون مدنی بیان شده است. عنوان باب دوم الزاماتی که بدون قرارداد حاصل می‌شود، نام دارد. در مواد ۳۰۱ الی ۳۰۶ قانون مدنی از دریافت من غیر حق ویا ایفای ناروا بحث می‌کند و در حالت خاص، الزام‌های خارج از قرار داد تحت عنوان ضمان قهری مطرح می‌گردد.

حسب ماده ۳۰۷ قانون مدنی، **موارد ضمان قهری** عبارتست از غصب و اتلاف و تسبیب و استیفاء.

الزام خارج از قرار داد به چه معناست؟

حقوقدانان معتقدند که مسؤولیت جبران ضرر وارد شده به دیگری یا مبتنی بر قرارداد وتوافق طرفین است یا به موجب حکم قانون است، به همین دلیل مسؤولیت مدنی را به دو نوع تقسیم کرده اند.

۱- مسؤولیت قراردادی یعنی مسئولیتی که به تبع اراده وتوافق طرفین ایجاد شده است.

۲- مسولیت غیرقراردادی یا الزام‌های خارج از قرار داد یعنی مسئولیتی که بدون اینکه بین طرفین قراردادی وجود داشته باشد، قانون، فرد را به دلیل اینکه باکار نامشروع خود به دیگران ضرر ناروایی را وارد کرده است ملزم می‌کند تا خسارت را جبران کند یعنی کار نامشروع ایجاد التزام می‌کند که به این مسئولیت، مسؤولیت قهری نیز می‌گویند.

ذکر دو نکته لازم است. (۱- در قانون مدنی و قانون مسؤولیت مدنی با دو نوع مسؤولیت برخورد می‌کنیم مسؤولیت محض ومسئولیت مبتنی بر تقصیر.

درمسئولیت محض، استناد به قوه قاهره و یا عمد یا غیر عمد بودن عمل فاعل تأثیری در مسؤولیت فاعل ندارد مانند، غصب و اتلاف، اما در مسؤولیت مبتنی بر تقصیر، باید تقصیر فاعل احراز گردد.

بعنوان مثال در غصب، غاصب به محض اینکه بر مـال دیگـری بطـور نامـشروع مـسلط شـد، ضامن است و تا زمانی که مال را به صاحبش رد نکرده است این ضمان باقی اسـت و اگـر در ایـن فاصله، مال تلف شود (توسط فرد دیگری یا قوه قاهره) غاصب هم چنان ضامن در مثل یـا قیمـت خواهد بود و در اتلاف نیز به محض اینکه، مال دیگری، توسط فاعل تلف شود (بطور مستقیم) چه بصورت عمد یا غیر عمد ضامن است و ادعای عدم تقصیر از مباشر تلف پذیرفته نمی‌باشد.

۲- در قانون مسؤولیت مدنی، مبنای مسؤولیت با ورود ضرر به مال دیگری محقـق مـی‌شـود، حال آنکه در غصب، شرط استقرار مسؤولیت، استیلای نامشروع بـر مـال دیگـری اسـت بنـابراین، مسؤولیت مدنی، شامل اتلاف وتسبیب می‌شـود ولـی غـصب بـه عنـوان یـک نهـادی مـستقل از مسؤولیت مدنی مطرح می‌باشد اگر چه از نظر پاره‌ای احکام مشابه هستند.

جلد دوم از کتابچه الزامات قانونی خارج از قراردادها (ضمان قهری) در خصوص اتلاف، تسبیب و استیفاء بحث شده است و نمونه آرای شورای حل اختلاف در هر یک از مـوارد نیـز درج گردیـده امید است مورد استفاده علاقمندان قرار گرفته و از نظرات اصلاحی صاحب نظران بهره مند شویم.

اداره کل آموزش کارکنان اداری قوه قضائیه

فصل اول: اتلاف و احکام آن

مبحث اول: تعریف اتلاف و مبنای فقهی آن

اتلاف از نظر معنی لغوی یعنی از بین بردن یا نابود کردن یا هلاک کردن که در حقوق نیز به همین معنا بکار رفته است یعنی ازبین بردن مال دیگری کلاً یا بعضاً و مرتکب بر اثر تلف مال دیگری، مسؤول جبران ضرر وارد شده به مالک مال می‌باشد زیرا مرتکب با این عمل خود تعادل را برهم زده است و بایستی وضع را به صورت پیشین برگرداند. در اسلام، اصل بر اینست که نباید ضرر نامشروعی جبران نشده باقی بماند در فقه دلایلی را که ضمان آور بودن اتلاف از آن مستناد می‌گردد و مبنای قاعده اتلاف است، عبارتست از: عده‌ای از فقها به آیه شریفه ۱۹۰ سوره بقره اشاره کرده و اظهار نظر نموده‌اند که از بین بردن مال دیگری بدون اذن و اجازه مالک آن به عنوان مصداق تعدی به فرد است و او می‌تواند مثل یا قیمت مال خود را از تلف کننده دریافت کند.

(مَنِ اعَتدی عَلَیکمُ فاعتُدواعَلَیه بِمثلِ مَا اعَتدی عَلَیکم)

(هر کس تجاوز کند بر شما، پس تجاوز کنید بر او، مثل آن چیزی که تجاوز کرده است بر شما)

سند دیگری که نزد بسیاری از فقها، به عنوان مدرک ضمان آور بودن تلف مال دیگری مطرح گردیده است حدیثی است که اگر چه در کتب احادیث آن را نیافته‌اند ولی به دلیل اینکه بسیار مورد استفاده قرار گرفته از شهرت زیادی برخوردار است.

(مَن اَتلفَ مَالَ الغیرفَهُولَه ضاَمن)

(هر کس مالی دیگری را تلف کند ضامن خواهد بود.)

وهم چنین روایتی از رسول اکرم(ص): (حرُمه مالِ المِسلِم کحرُمَه دَمهِ)

(احترام مال مسلمان مانند احترام خون اوست)

پس وقتی که ارزش مال در ردیف ارزش خون مسلمان است همانگونه که هر فردی در مقابل ضرری که به جان مسلمان وارد می‌کند ضامن است همین ضمان نیز در خصوص ضرر به مال فرد مسلمان نیز وجود دارد.

در فقه اتلاف را به دو قسم تقسیم کرده‌اند اتلاف به مباشرت و اتلاف به تسبیب.

اتلاف به مباشرت:

به این معناست که در تلف مال، عمل مرتکب، کاملاً محرز و مشخص است یعنی هیچ عـاملی رابطه بین تلف مال و فعل مرتکب را قطع نمی‌کند و مانند اینکه فردی با پرتاب سـنگ بـه شیـشه منزل دیگری آن را می‌شکند و یا خرمن دیگری را آتش می‌زند پس بین شکستن شیـشه و پرتـاب سنگ و یا آتش گرفتن خرمن و آتش انداختن رابطه مستقیم وجود دارد. اگر چه در اتـلاف، ضـمان آور بودن آن مطلق است و مجنون یا صغیر بودن فاعل و یا عمد داشتن یا عدم تقـصیر، هیچکـدام ضمان را از بین نمی‌برند یعنی اگر یک شکارچی، علی‌رغم اینکه دقت زیـادی داشـته و خطـایی در شکار کردن نداشته است ولی بر اثر اصابت تیر او گوسفند دیگری که در همـان محـل بـوده اسـت تلف می‌شود، او باز هم ضامن است زیرا بین تلف گوسفند بوسیله تیر و تیر اندازی او رابطه مستقیم وجود دارد.

اتلاف به تسبیب:

در تلف مال، وقتی مباشر بنا به دلایلی، قابل سرزنش نیست و ضامن نمی‌باشد بلکه آن کـسی که زمینه بروز تلف را ایجاد کرده است ضامن خواهد بود یعنی مسبب، خودش نقش در تلف به طور مستقیم ندارد ولی غیر مستقیم باعث تلـف شـده اسـت کـه وجـوه آن در مبحـث تـسبیب مطـرح می‌گردد.

تفاوت اتلاف و غصب:

همان‌گونه که در مبحث غصب مطرح گردید ضمان غاصب به دلیل اسـتیلا بـر مـال دیگـری بدون اجازه صاحب آن مال و یا اینکه در مواردی که تصرف در ابتدا با اذن مالک بـوده اسـت ولـی ادامه تصرف بدون اذن مالک می‌باشد که در حکم غاصب بوده‌اند که مبنای فقهی ضمان غصب را ضمان ید مطرح کرده که با توجه به مطالب گفته شده در بـاب اتـلاف و غـصب، فیمـابین ایـن دو قاعده از نظر مبنای ضمان تفاوت وجود دارد در غصب(ضمان ید) محور مسؤولیت اسـتیلا بـر مـال دیگری بدون اذن صاحب آن مال (تصرف مال دیگری و تحت ید داشـتن آن) حـال آنکـه مبنـای

مسؤولیت در اتلاف، تلف مال است، بدون اینکه نیازی به این باشد که مال تحت ید تلف کننده قرار داشته باشد اگر چه در حالتی، این دو قاعده در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند، مانند آنکه، غاصب، مالی را تحت تصرف داشته باشد و آن مال تلف شود [خواه عمدی خواه بدون دخالت او و توسط قوای قاهره یا شخص ثالث یا شخص جاهل] مانند آنکه، کسی، اسب دیگری را تحت ید خود بگیرد (بدون اذن صاحب آن) و سپس اسب بمیرد (در اینجا اگر غاصب عمداً آن اسب را بکشد موضوع قاعده اتلاف محقق شده است و از بابت اتلاف ضامن است نه از بابت غصب ولی اگر عین مغصوبه بدون دخالت غاصب، تلف شود در اینجا ضمان غاصب یا ایادی بعدی آن به دلیل استیلای آنها بر مال دیگری به نحو عدوانی بوده است و از این بابت چون ملزم به رد عین بوده‌اند و عین تلف شده است پس باید در اموال مثلی، مثل را و در اموال قیمی، قیمت را تأدیه کند، زیرا بین اتلاف و تلف فرق است، در اتلاف شخص به واسطه عمل خود به طور مستقیم یا غیر مستقیم (تسبیب) در تلف موثر است ولی در تلف، از بین رفتن مال دیگری، توسط قوه‌ی قاهره یا شخص ثالث یا غیره می‌باشد. در فقه هر دو نوع اتلاف، تحت یک قاعده آورده شده ولی در قانون مدنی مبحث اتلاف و تسبیب در دو مبحث جداگانه مورد بررسی قرار گرفته و احکام آنها بیان شده است.

مبحث دوم: احکام اتلاف

در مواد ۳۲۸ الی ۳۳۰ قانون مدنی احکام اتلاف بیان شده است.

در ماده ۳۲۸ قانون مدنی آمده است: «هر کس مال غیر را تلف کند ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد اعم از اینکه از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد و اعم از اینکه عین باشد یا منفعت؛ و اگر آن را ناقص یا معیوب کند ضامن نقص قیمت آن مال است.» براساس این ماده موارد ذیل مورد نظر قرار می‌گیرد.

مسئول جبران خسارت کیست؟ با توجه به اینکه آنچه مبنای ضمان است اتلاف و از بین بردن مال دیگری بدون اذن مالک آن می‌باشد بنابراین لفظ هر کس، شامل افراد مجنون یا صغیر یا سفیه نیز می‌گردد و از این نظر هیچ تمایزی فیمابین آنها با عمل یک انسان بزرگسال وجود ندارد جبران خسارت باید از مال او صورت گیرد و اگر مالی نداشته باشد، خسارت برذمه او باقی می‌ماند تا زمانی که مال‌دار شود البته حسب ماده ۷ قانون مسؤولیت مدنی اگر ثابت شود افرادی که حسب

قانون یا قرار داد ملزم به مواظبت و مراقبت از آنها بوده‌اند و در انجام وظیفه خود مرتکب تقصیر شده باشند، از باب تسبیب آنها مسؤول جبران خسارت خواهند بود.

گفتار اول: شرایط تحقق مسؤولیت

برای اینکه فردی را مسؤول تلف شدن مالی بدانیم لازم است که شرایط زیر محقق شود.

شرط اول: وجود ضرر- ضرر اعم از اینکه مادی باشد یا معنوی منوط است بر اینکه:

۱- مسلم باشد یعنی براساس احتمال وجود ضرر در نظر گرفته نمی‌شود یعنی اگر این فعل زیان بار رخ نمی‌داد آن زیان نیز به بار نمی‌آید (مانند تصادم اتومبیل خواهان و ورود خسارت به اتومبیل او)

۲- باید مستقیم باشد یعنی نتیجه مستقیم فعل فاعل باشد مانند آتش گرفتن خرمن، مانند اینکه فاعل آتش انداخته است. یا پرتاب سنگ و شکسته شدن شیشه؛ پس بین فعل و نتیجه فعل هیچ عامل دیگری فاصله نمی‌اندازد.

۳- باید جبران نشده باشد یعنی در جایی که قانونگذار در جهت تضمین حق زیان دیده چند نفر را متضامناً مسؤول می‌شناسد اگر زیان دیده به یکی مراجعه کرده باشد و تمام خسارت خود را دریافت کرده باشد، حق مراجعه به دیگران را ندارد زیرا با جبران خسارت توسط یکی ذمه دیگران در مقابل مالک مال بر می‌گردد.

شرط دوم: فعل زیان بار

فعلی که بدون مجوز قانونی باشد و فاعل با ارتکاب آن فعل به مال دیگری خسارتی وارد می‌کند. فعل زیان بار دارای خصوصیت ذیل است.

- فعل باید مثبت باشد. مانند پرتاب کردن سنگ یا انداختن آتش به مزرعه دیگری بنابراین خودداری از انجام تکلیفی که براساس قانون یا قرارداد به عهده فاعل می‌باشد فعل زیان بار در رابطه با اتلاف محقق نمی‌شود.

(مانند اینکه صاحب سگ درنده، موظف است که سگ را آزدانه رها نکند و زنجیر آن را محکم ببیند حال اگر صاحب سگ عمداً زنجیر را محکم نبندد و یا از روی بی‌احتیاطی مرتکب این عمل شده باشد (ضامن است از باب تسبیب)

اما فعل نامشروع چه فعلی است ؟ برای درک افعال نامشروع، باید افعال مشروع را شناخت.

۱- دفاع مشروع

۲- امر آمر قانونی

حال اگر فاعل در مقام دفاع مشروع یا امر آمر قانونی، مرتکب اتلاف گردد ضمان متوجه فاعل نمی‌باشد.

ماده ۳۵۸ قانون مجازات اسلامی می‌فرماید: «هر گاه حیوانی به کسی حمله کند و آن شخص به عنوان دفاع از خود به مقدار لازم او را دفع نماید و همین دفاع موجب مردن یا آسیب دیدن آن حیوان شود شخص دفاع کننده ضامن نمی‌باشد و هم چنین اگر آن حیوان را از هجوم به نفس یا مال محترم به عنوان دفاع به مقدار لازم باز دارد و همین کار موجب تلف یا آسیب او شود عهده دار نخواهد بود.»

تبصره: هر گاه در غیر مورد دفاع یا در مورد دفاع بیش از مقدار لازم به آن آسیب وارد شود شخص آسیب رساننده ضامن می‌باشد.

حسب تبصره ماده مذکور فعل نامشروع کاملاً مشخص می‌شود فرد در غیر دفاع یا در مورد دفاع بیش از مقدار لازم عمل شود آسیب رساننده از باب اتلاف یا نقص، ضامن خواهد بود.

شرط سوم: وجود رابطه بین فعل زیان بار و ضرر ناروا

در اتلاف، تقصیر یا عمدی یا غیر عمدی بودن فعل، تأثیری در ضمان متلف ندارد زیرا آنچه شرط استقرار ضمان است هماناً وجود رابطه مستقیم بین عمل فاعل و اتلاف مال دیگری می‌باشد بدون اینکه واسطه‌ای بین این دو فاصله اندازد. به عنوان مثال اگر تیر یک شکارچی علیرغم رعایت مقررات، به گوسفند دیگری، اصابت کند چون بین فعل شکارچی و تلف گوسفند براثر گلوله، رابطه مستقیم وجود دارد بنابراین شکارچی ضامن است. و مشمول ماده ۳۲۸ قانون مدنی می‌گردد

قانونگذار با قید کلمه هر کس فرقی بین افراد فاقد اهلیت و افراد دارای اهلیت قائل نشده است این حکم در ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی بیان شده است: « هر گاه صغیر یا مجنون یا غیر رشید باعث ضرر غیر شود ضامن است.»

از طرف دیگر ممکن است که عاملین تلف بیش از یک نفر باشند مانند آنکه چند نفر سنگ بزرگی را رها کنند و ماشین دیگری صدمه بیند دراینجا تمامی آنان مباشر در اتلاف محسوب می‌گردند که خسارت باید بین آنها به طور تساوی تقسیم شود.

آیا فرد متلف می‌تواند به قوه قاهره یا تقصیر استناد کند و از این بابت خود را ضامن نداند؟

با توجه به صراحت قانون و آن که حسب قاعده اتلاف، مسؤولیت چنین فردی مسؤولیت مبتنی بر عدم تقصیر است یعنی مسؤولیت او مفروض است و با تحقق رابطه علیت فیمابین تلف مال و عمل فاعل مسؤولیت مستقر می‌شود حتی اگر فرد هیچ گونه تقصیری در تلف مال نداشته باشد در قانون مدنی منبع تعهد یا تقصیر است یا عدم تقصیر. در اتلاف مسؤولیت مبتنی بر عدم تقصیر است یعنی ضمان ملازمه‌ای با تقصیر فاعل ندارد اما اگر فردی بر اثر قوه قاهره پرتاب شود و مال دیگری تلف شود چنین فردی به دلیل اینکه انتساب فعلی که موجب تلف بوده به او ممکن نمی‌باشد لذا فرد ضامن نمی‌باشد نتیجتاً اگر ثابت شود که فردی نه بطور مستقیم نه بطور غیر مستقیم در تلف مال دخالتی نداشته است، ضامن نمی‌باشد.

گفتار دوم: شیوه ی جبران خسارت

در صورتی که تمام شرایط و ارکان مسؤولیت جمع باشد زیان دیده حق پیدا می‌کند که جبران خساراتی را که به او وارد شده است بخواهد و عامل ورود زیان نیز ملزم می‌شود تا ضرری را که به بار آورده است جبران کند حسب ماده ۳۲۸ قانون مدنی:

۱- عین مال تلف شود: که اگر مثلی باشد باید مثل آن را بدهد و اگر قیمتی است قیمت آن را بدهد احکام مترتب بر مثل یا قیمت در محبث غصب مطرح شده است.

قانونگذار در مواد ۳۲۹ و ۳۳۰ دو مورد را بیان می‌کند که حسب نظر اساتید حقوق اجرای حکم ماده ۳۲۹ ویژه اتلاف بنا و خانه نیست و در هر مورد که شخص مسؤول نقص یا عیب مالی قرار گیرد خواه به مباشرت یا به تسبیب قابل اجرا است.

ماده ۳۲۹ قانون مدنی: «اگر کسی خانه یا بنای کسی را خراب کند باید آن را به مثل صورت اول بنا نماید و اگر ممکن نباشد باید از عهده قیمت برآید.»

ماده ۳۳۰ قانون مدنی: «اگر کسی حیوان متعلق به غیر را بدون اذن صاحب آن بکشد تفاوت قیمت زنده و کشته آن را بدهد؛ ولیکن اگر برای دفاع از نفس بکشد و یا ناقص کند ضامن نیست» براساس قسمت اول ماده اگر کشته حیوان از نظر عرف دارای ارزش باشد، باید کشته را بدهد و تفاوت قیمت زنده و کشته آن را نیز بدهد ولی اگر کشته آن دارای ارزش نباشد، مال تلف شده است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد حسب قسمت دوم ماده، اگر عمل تلف یا نقص مال، به خاطر دفاع از خود باشد، هیچگونه ضمانی به همراه ندارد.

۲- منفعت تلف شود: حسب صراحت ماده مذکور، تلف تنها به عین اختصاص ندارد بلکه شامل منفعت هم می‌شود و منفعت هم شامل انسان یا حیوان یا اشیاء می‌باشد.

البته منفعت مورد وصول، منفعتی است که قطعی و مسلم باشد والا منفعت احتمالی قابل وصول نمی‌باشد. یعنی معیار این باشد که اگر عمل زیان بار نبود حتماً آن منعفت به متضرر می‌رسید فعل مزبور تنها علت منحصر نرسیدن منفعت شده است.

به عنوان مثال اگر کسی در خیابان در جلوی گاراژ دیگری جوی عمیق بکند و مانع از خروج اتومبیل کرایه بشود، کننده جوی، مانع رسیدن منفعتی شده است که اتومبیل از کارکردن بدست می‌آورد.

۳- نقص یا عیب در مال: اگر عمل فاعل منجر به تلف مال نگردد ولی نقص یا عیبی در آن مال پدید آید. قسمت آخر ماده ۳۲۸ قانون مدنی مباشر باید تفاوت قیمت سالم و ناقص را بپردازد البته پرداخت تفاوت قیمت در صورتی است که مال باقی مانده دارای ارزش باشد والا در حکم تلف است و باید مثل یا قیمت آن را بپردازد.

گفتار سوم: نمونه‌ای از آرای شورای حل اختلاف درخصوص اتلاف

۱- درخصوص دادخواست خواهان به طرفیت خوانده به خواسته مطالبه خسارت وارده به اتومبیل خواهان با جلب نظر کارشناس، با عنایت به مدارک ابرازی که مؤید مالکیت و انتساب خسارت وارد به اتومبیل خواهان توسط خوانده می‌باشد و برابر نظریه کارشناس رسمی دادگستری که میزان

خسارت وارد شده..... ریال تعیین گردیده است و عدم اعتراض طرفین بـه نظریـه کارشـناس، این شورا مـستنداً بـه مـاده ۳۲۸ قـانون مـدنی از بـاب اتـلاف، حکـم بـه محکومیـت خوانـده بـه پرداخت..... ریال در حق خواهان صادر می‌نماید. رأی صادره حضوری و ظرف مدت بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در دادگاه عمومی محل می‌باشد.

نام و امضاء قاضی شورا

۲- درخصوص دادخواست خواهان به طرفیت خوانده به خواسـته جبـران خـسارت وارده بـه ۵ اصله از درختان میوه او به دلیل از ریشه در آوردن آنها به طور عمدی با جلب نظر کارشـناس، ایـن شورا با توجه به قرار تأمین دلیل ابرازی و برابر نظریـه کارشـناس رسـمی دادگـستری کـه میـزان خسارت را..... ریال تعیین نموده است و علی‌رغم ابلاغ واقعی خوانده در شورا حضور نیافته، لذا ایـن شورا مستنداً به ماده ۳۲۸ قانون مدنی حکم به محکومیت خوانده به پرداخت مبلغ..... ریال در حـق خواهـان صـادر مـی‌نمایـد. رأی صـادره حـضوری و ظـرف ۲۰ روز پـس از ابـلاغ قابـل تجدیدنظرخواهی در دادگاه عمومی محل می‌باشد.

نام و قاضی شورا

فصل دوم: تسبیب و احکام آن

مبحث اول: مبنای فقهی ضمان در تسبیب

در خصوص ضمان آور بودن تسبیب روایات زیادی نقل شده است. اگر چه در این روایات لفظ سبب یا تسبیب استعمال نشده بلکه این اخبار متضمن بیان مواردی است که منتهی به فرض تسبیب در ایجاد خسارت می‌گردد و به موجب ملاک حاصل از آن، مسبب ضامن است.

روایت منقول از حضرت امام صادق (ع): «هر چیزی که در راه مسلمین به آنها ضرر بزند، صاحب آن چیز ضامن پی آمد های آن است.»

روایت دیگری از حضرت امام صادق (ع): « اگر کسی چاهی در غیر ملک خویش حفر کند و عابری در حین عبور در آن بیفتد، حفر کننده ضامن است.»

روایت نبوی: «هر کس ناودانی یا گودالی در میان راه مسلمین ایجاد کند یا مدح یا افسار مرکبش را بکوبد، یا چاهی در راه مسلمین حفر نماید و کسی به آنها اصابت کند و به زمین بیفتد مرتکب ضامن است.»

همانگونه که در مبحث اتلاف به مباشرت بیان گردید، فقها اتلاف را به دو نوع تقسیم کرده‌اند اتلاف به مباشرت و اتلاف به تسبیب اتلاف به مباشرت که فعل عامل مستقیماً باعث تلف مال دیگری شده است در ضمان آور بودن عمل او فرقی بین عمد یا غیر عمد بودن عمل فاعل وجود ندارد یعنی اگر کسی سنگی را پرتاب کند و به شیشه منزل دیگری اصابت و آن شیشه را بشکند، پرتاب کننده سنگ ضامن است حتی اگر از روی عمد سنگ را پرتاب نکرده باشد زیرا در اتلاف به مباشرت، شرط استقرار مسئولیت، وجود رابطه علیت بین فعل فاعل و تلف مال می‌باشد، بنابراین در مثال پرتاب سنگ چون علت شکسته شدن شیشه، پرتاب سنگ از طرف فاعل بوده است پس رابطه علیت محرز است و پرتاب کننده ضامن است.

منظور از علت اینست که از وجودش، وجود و عدمش، عدم دیگری لازم آید. در اینجا وجود خسارت به انجام عمل از طرف فاعل بر می‌گردد و اگر فاعل مرتکب این عمل نمی‌شد، شیشه نیز شکسته نمی‌شد.

اتلاف به تسبیب، یعنی فاعل با عمل خود مستقیماً باعث از بین رفتن مال دیگری نمی‌شود بلکه با واسطه، سبب می‌شود مال غیر از بین برود مانند آنکه شخصی در مسیر عام چاهی حفر می‌کند و گوسفند دیگری در چاه می‌افتد و می‌میرد در اینجا فاعل مستقیماً گوسفند را تلف نکرده است. در تلف گوسفند مباشرت نداشته است بلکه با حفر چاه، سبب از بین رفتن مال دیگری شده است.

در تعریف تسبیب بین فقها اختلاف وجود دارد و دلیل این اختلاف از آن جا ناشی می‌شود که معنای سبب در تسبیب با معنای آن در فلسفه متفاوت است. در اصطلاح فلسفی سبب یعنی چیزی که از وجودش، وجود دیگری و از عدمش، عدم دیگری لازم آید. حال آنکه در تسبیب، بسیار مواردی که وجود سبب ملازمه‌ای با وجود خسارت نداشته است ولی از عدم آن عدم دیگری لازم آید بنابراین از نظر عرف سبب مرتکب عملی می‌شود که زمینه ایجاد تلف را فراهم می‌کند چندان که اگر ارتکاب آن عمل نبود تلف هم رخ نمی‌داد. ولی بین آن کار و تلف رابطه علیت وجود ندارد یعنی مسبب در تلف نقش مستقیم ندارد.

نتیجتاً آن عمل احتمال دارد که در شرایط ویژه‌ای زمینه تلف مال را فراهم کند به این دلیل سبب را شرط وقوع تلف می‌دانند در مثال حفر چاه، حفر کننده، مستقیماً گوسفند را تلف نکرده است یعنی رابطه علیت وجود ندارد بنابراین ملازمه عقلی و عرفی مبنی بر اینکه حفر چاه حتماً منجر به بروز تلف شود وجود ندارد ولی در نظر عرف انتظار وقوع چنین حادثه‌ای می‌رود و این نیز مسلم است که اگر چاه کنده نمی‌شد، گوسفندی نیز تلف نمی‌گردد. بنابراین حفر کننده ضامن است نه از باب اتلاف بلکه از باب تسبیب.

پس ضابطه تشخیص در اتلاف وجود رابطه علیت بین تلف مال و عمل فاعل می‌باشد ولی در تسبیب ضابطه این‌است که اگر سبب نبود تلف حاصل نمی‌شد، ولی علت تلف غیر از آن است مانند حفرچاه و تلف شدن‌گوسفند که علت تلف‌گوسفند افتادن در چاه بوده ولی‌وجود چاه سبب تلف است.

یکی از فقها سبب را چنین تعریف کرده است:

«سبب، هرچیزی است که تلف از جانب آن حاصل می‌شود لیکن به واسطه دیگری به طوری که اگر سبب نبود تأثیری از علت پدید نمی‌آمد.»

(۱۲)

پس اگر کسی دیگری را وادار به تلف مال غیر کند یا او را بفریبد تا باعث تلف مال دیگری شود علت مستقیم تلف فعل دیگری است و عامل (مسبب) زمینه را برای تأثیر علت فراهم آورده یا جزیی از علت را ایجاد کرده است.

ملاحظه عملی انتساب علت خسارت به شخص یا تردید دراین انتساب به لحاظ وجود اسباب دیگری (که احتمالاً در تلف موثرند) باعث شده است به مرور ایام، عنوان اتلاف به تسبیب حذف گردد و عناوین اتلاف و تسبیب چون دو مقوله منفصل از بیان گردد چنانچه از نظر مبنا نیز تفاوت‌هایی را بین آنها قائل شده‌اند.

۱- در اتلاف، شخص مستقیماً بدون واسطه موجب بروز خسارت می‌شود در حالی که در تسبیب شخص به طور مستقیم مباشر ورود خسارت نیست بلکه به واسطه امری مسبب تلف مال غیر می‌شود.

۲- در اتلاف ضرورتاً خسارت باید از طریق فعل مثبت متلف بروز یابد حال آنکه در تسبیب خسارت می‌تواند ناشی از فعل مثبت یا منفی باشد.

۳- در اتلاف شرط استقرار مسؤولیت، تحقق تلف است ولی در تسبیب خطای متلف احراز می‌شود پس همین که فعل فاعل با تلف رابطه مستقیم داشته باشد حتی اگر عامل کلیه مقررات را رعایت کرده باشد باز هم ضامن است. مانند کسی که علی‌رغم رعایت تمامی جوانب احتیاط، تیرش به گوسفند دیگری اصابت می‌نماید. در اینجا تقصیر یا عدم تقصیر شکارچی مهم نیست بلکه تحقق تلف، شرط استقرار ضمان است زیرا رابطه علیت بین عمل فاعل و تلف برقرار است اما در تسبیب شخص وقتی مسؤول است که مرتکب خطا یا تقصیر شده باشد و خسارت در نتیجه بی احتیاطی یا غفلت او صورت گرفته باشد مانند آن که زنجیر سگ خود را محکم نبسته و سگ رها شده به مال دیگری آسیب رسانده است.

آیا در تسبیب عمد و قصد هم در ضمان آور بودن عمل فاعل موثر است؟ همانگونه که در مبحث اتلاف گفته شد اگر در دید عرف بین فعل عامل و تلف رابطه علیت وجود داشته باشد عمد یا غیر عمد بودن عمل فاعل تأثیری در ضمان او نخواهد داشت در تسبیب نیز، عمد یا غیر عمد بودن عمل در ضمان فاعل موثر نیست بلکه مهم انتساب تلف به فاعل علیرغم اینکه تلف توسط

دیگری صورت گرفته باشد زیرا از دید عرف اگر آن عمل نبود، تلف نیز اتفاق نمی‌افتاد. پس عمد یا غیر عمدی عمل در ضمان فاعل تأثیری ندارد به عنوان مثال، شخص عمداً زنجیر سگ را محکم نمی‌کند یا براثر غفلت یا بی‌احتیاطی زنجیر را محکم نمی‌بندد و به مال دیگری خسارت وارد می‌شود او در هر دو حالت مسؤول است و باید جبران کند عده‌ای از فقها معتقدند که اعمال قاعده تسبیب فقط در مواردی که فاعل عمد دارد قابل اجرا است ولی اکثریت، اعمال این قاعده رابطور مطلق قابل اجرا می‌دانند. قانون مدنی در ماده ۳۳۱ بدون اینکه اشاره‌ای به کلمه تقصیر کند، قاعده تسبیب را جاری کرده است هر چند در مواد دیگر تقصیر را مبنای ضمان دانسته است.

مبحث دوم: احکام تسبیب

تسبیب هم در قانون مدنی و هم درامور جزایی مطرح است. چنان که در باب پنجم از قانون مجازات اسلامی، اتلاف و تسبیب را از موجبات ضمان دانسته است (مواد ۳۱۶الی ۳۶۷ قانون مجازات اسلامی) ولی در قانون مدنی از اتلاف و تسبیب (از باب ضرری که به مال دیگری وارد می‌شود) بحث کرده است.

در ماده۳۳۱ قانون مدنی آمده است: «هر کس سبب تلف مالی بشود باید مثل یا قیمت آن را بدهد، و اگر سبب نقص یا عیب آن شده باشد باید از عهده نقص قیمت آن برآید.»

گفتار اول: شرایط تحقق ضمان در تسبیب

همانگونه که در مبحث اتلاف توضیح داده شد شرایط تحقق ضمان عبارت بودند از:

۱- ضرر

۲- فعل زیان بار

۳- رابطه سببیّت

۱- وجود ضرر:

عبارت است از تلف عین یا منفعت یا نقص مال؛ اقسام ضرر به شرح زیر می‌باشد: الف- زیان مادی، ب- زیان معنوی (زیان های وارده بر حیثیت و شهرت و عواطف روحی) ضرر قابل مطالبه دارای شرایط ذیل می‌باشد.

الف- قطعی و مسلم باشد ب- جبران نشده باشد ج- غیر مشروع و غیر متعارف باشد د- ضـرر باید مستقیم باشد.

۲- فعل زیان بار:

صرف ایجاد ضرر، مسئولیتی برای جبران آن ایجاد نمی‌کند بلکه فعل زیـان بـار بایـستی غیـر مشروع و غیر متعارف باشد بنابراین باید فعل زیان بار غیر مـشروع را از افعـال مـشروع و متعـارف تشخیص داد حسب ماده یک قانون مسؤولیت مدنی مصوب سـال ۱۳۳۹ (هـر کـس بـدون مجـوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی موجب خسارت شود) افعال مشروع متعارف عبارتند از:

الف- دفاع مشروع

ب- امر آمر قانونی و حکم قانونگذار

ج- اجرای متعارف حق

در تسبیب بین فعل انجامی سبب و خسارت، واسطه‌ای وجود داردکه مباشر تلف نامیده می‌شود دراینجا درصورتی ضمان متوجه مسبب است که سبب قوی تر از مباشر باشد و عرفاً اتلاف مـستند به او باشد.

در ماده ۳۳۲ قانون مدنی آمده است: « هر گاه یک نفر سبب تلف مالی را ایجاد کند و دیگـری مباشر تلف شدن آن مال بشود مباشر مسؤول است نه مسبب مگر اینکه سبب اقوی باشد به نحوی که عرفاً اتلاف، مستند به او باشد.»

حسب این ماده، موضوع اجتماع سبب و مباشر مطرح است یعنی دو نفر در تلف نقش داشته‌اند:

۱- مسبب

۲- مباشر

مثال: شخصی در مسیر عموم گودالی حفر می‌کند و دیگری گوسفند متعلـق بـه غیـر را در آن می‌اندازد و گوسفند تلف می‌شود در اینجا چون بین تلف گوسفند و انداختن آن در چاه، رابطه علیت وجود دارد پس مباشر ضامن است زیرا عمل اختیاری مباشر بین حفر چاه توسط مسبب و تلف مـال مانع ایجاد کرده است پس او ضامن است اما اگر به واسطه عوامل طبیعی (مانند باد که آتشی را که

سبب روشن کرده است به باغ دیگری گسترش دهد) یا انسان فاقد اهلیت است (دیوانه یا صغیر غیر ممیز) مانند اینکه مسبب با دادن سنگی به مجنون یا صغیر غیر ممیزی، او را وادار کند که به مال دیگری آسیب برساند یا واسطه دارای اهلیت باشد اما مجبور به تلف مال یا مغرور شده باشد یعنی توسط مسبب فریب خورده و مال دیگری را تلف کند یا واسطه حیوانی باشد که توسط مسبب به هدف هدایت شده باشد و خسارتی به دیگری وارد کند در ضمان این موارد که مباشر (واسطه) چون در حکم آلتی در دست مسبب بوده است بنابراین سبب اقوی از مباشر است پس ضمان متوجه مسبب باشد در خصوص بحث مغرور، البته خسارت دیده حق مراجعه به مغرور را دارد و مغرور نیز می‌تواند به مسبب مراجعه کند.

فعل زیان بار ممکن است به صورت مثبت باشد یا منفی.

فعل منفی: ترک هیچ فعلی به خودی خود نمی‌تواند موجب مسؤولیت مدنی گردد مگر آنکه بوسیله قانون یا قرارداد انجام آن الزامی باشد و بنابراین اگر حسب قانون برای عدم انجام عمل، ضمانت اجرایی وجود داشته باشد (اعم از جبران خسارت یامجازات) و یا اینکه افراد حسب قراردادی خصوصی متعهد به انجام عملی گردید و متعهد آن را انجام ندهد و یا در انجام آن تاخیر نماید از این بابت خسارتی به متعهدله وارد شود متعهد باید خسارت را جبران کند یا در موردی که خودداری از انجام کاری مستلزم بی‌احتیاطی است مانند نگذاشتن نرده آهنی در برابر پلکانی که به خط آهن و ریلها منتهی می‌شود یا پرتگاه است.

۳- مسؤولیت مبتنی بر تقصیر:

فرد به دلیل تقصیری که مرتکب شده است مسؤول جبران خسارت است. در حقوق ما قاعده کلی مسؤولیت مبتنی بر تقصیر است هر چند که مبنای منحصر آن نمی‌باشد در اینگونه موارد تقصیر یا خطا از ارکان مسؤولیت و به حوادثی توجه می‌شود که زیان را به بار آورده است و این سوال که آیا این حادثه در اثر بی احتیاطی بی مبالاتی بوجود آمده است و از مصادیق تقصیر است یا خیر؟

در ماده یک قانون مسولیت مدنی از اصطلاح بی احتیاطی و در بند ۲ ماده ۴ [1] از غفلت به عنوان مصادیق تقصیر نام برده است.

بی احتیاطی: یعنی اینکه فرد نتایج عمل خود را پیش بینی نکند که در معنای عام خود شامل بی مبالاتی هم می‌شود.

بی مبالاتی: یعنی فاعل عمل، پیش بینی ورود ضرر را از ناحیه عمل خود به غیر می‌کند ولی معذلک لاقیدی به خرج میدهد و احتیاط نمی‌کند. مانند راننده‌ای که با وجود نقص داشتن اتومبیل به احتمال اینکه انشاءالله طوری نخواهد شد به حمل مسافر یا کالا مبادرت می‌کند.

غفلت: که نقطه مقابل بی احتیاطی است و عبارت است از ترک فعلی که باید انجام می‌شد مانند سوزن بان راه آهن که وظیفه ی خود را در تغییر سوزن انجام ندهد و در اثر آن دو قطار با یکدیگر تصادم نماید.

تعریف تقصیر: تجاوز از رفتاری است که انسانی متعارف در همان شرایط وقوع حادثه، دارد.

در ماده ۹۵۳ قانون مدنی تقصیر را شامل تعدی و تفریط دانسته است.

«تقصیر اعم است از تفریط و تعدی»

در ماده ۹۵۱ قانون مدنی تعریف تعدی را چنین نموده است: « تعدی تجاوز نمودن از حدود اذن یا متعارف است نسبت به مال یا حق دیگری» در ماده ۹۵۲ تفریط چنین تعریف شده «عبارت است از ترک عملی که به موجب قرارداد یا متعارف برای حفظ مال غیر، لازم است.»

بر اساس این مواد، تقصیر یا به دلیل عمل خارج از حدود اذن یا عدم انجام عملی که به موجب قرارداد، باید انجام می‌شده است (ترک فعل) و در صورتیکه خسارت وارد شده خارج از دو مورد فوق باشد، در اینجا عرف باید قضاوت کند.

عرف بر چه مبنایی تقصیر را تعیین می‌کند ؟

---

[1]. ماده ٤ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹/۲/۷: « دادگاه می‌تواند میزان خسارات را در موارد زیر تخفیف دهد:

۱- ....

۲- هرگاه وقوع خسارت ناشی از غفلتی بوده که عرفاً قابل اغماض باشد و جبران آن نیز موجب عسرت و تنگدستی وارد کننده زیان شود.

تقصیر یک مفهوم اجتماعی است و از آنجا که غرض اصلی از مسولیت مدنی، جبران ضررهای نامشروع و از بین بردن آثار کارهای ناشایسته است. به این دلیل در تعیین مسولیت شرایط جسمی و روحی خطاکار در نظر گرفته نمی‌شود. بلکه باید رفتاری که از عامل سر زده است با رفتار یک انسان معقول یا متعارفی که معیار تمیز خطا است، سنجیده می‌شود. بنابراین اهلیت نداشتن عامل، تأثیری در مسولیت او ندارد و رفتار او را نیز با رفتار یک انسان بالغ و معقول در شرایطی که آن حادثه رخ داده است سنجیده می‌شود.

البته منظور از اجتماعی بودن مفهوم تقصیر در موردی است که شخص قصد نتیجه را ندارد یعنی عمدا مرتکب اضرار به غیر نشده است. در صورتیکه شخص به عمد خسارتی وارد کند و تقصیر سنگینی را مرتکب شود که بطور معمول عاملان اضرار به غیر به آن دست می‌زنند ظاهر در این است که در ورود ضرر عمد داشته است و در حکم اضرار عمدی است.

بنابراین تقصیر ممکنست عمدی یا غیر عمدی (مسامحه) باشد.

تقصیر عمدی: که شخص به قصد اضرار به دیگری مرتکب آن شود مانند اینکه خانه کسی را خراب کند در تقصیر عمدی هم کار ناشایست به عمد انجام می‌شود و هم نتیجه حاصل از آن کار مقصود مرتکب است

تقصیر غیر عمدی: شخص قصد زیان زدن به دیگری را ندارد، ولی در نتیجه غفلت یا بی‌احتیاطی سبب ورود ضرر به او می‌شود. چنان که اگر راننده‌ای به علت شتابزدگی یا برای تفنن با سرعت رانندگی کند و در اثر تصادم با ماشین دیگر خسارتی وارد آورد تقصیر او غیر عمد است البته این تقسیم از نظر مسؤولیت مرتکب در جبران خسارت تأثیری ندارد فقط از جهت اینکه در بزرگی رفتار، در تقصیر عمدی، وضع روانی و اراده خطا کار مورد بررسی قرارمی گیرد. در حالیکه در تقصیر غیر عمدی، رفتار او با رفتار یک انسان متعارف در شرایط وقوع حادثه مقایسه می‌شود.

٤- وجوه مسؤولیت افراد:

با عنایت به اینکه هر کس مسؤول اعمال خویش است ولی در پاره‌ای موارد از بابت حیوانات و اشیاء تحت تصرف و تملک خود و یا به دلیل رفتار افراد دیگری که تحت مراقبت و مواظبت او

هستند مسؤولیت جبران زیان وارد شده به دیگری را پیدا می‌کند زیرا عدالت ایجاد می‌کند که هیچ ضرر نارواییی جبران نشده باقی نماند.

الف- مسؤولیت ناشی ازفعل مثبت شخص: اصولاً هر کس تنها ضامن اعمال خویش است و زیانی را که خود به دیگران وارد می‌سازد باید جبران کند. بنابراین اگر فعل شخص، از نظر عرف با رفتار یک انسان متعارف هم خوانی نداشته باشد، به عنوان تقصیرو خطا در رفتار مورد بررسی قرار می‌گیرد. به موجب ماده یک قانون مسؤولیت مدنی مصوب سال ۱۳۳۹ شخص ضامن خساراتی است که بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به دیگران وارد می‌کند.

ب- مسؤولیت ناشی از ترک فعل

۱- مسؤولیت مالک ساختمان و کارخانه:

به موجب‌ماده ۳۳۳ قانون‌مدنی: «صاحب دیوار یا عمارت‌یا کارخانه‌مسئوول‌خساراتی است که از خراب شدن آن وارد می‌شود مشروط براینکه خرابی‌در نتیجه عیبی‌حاصل‌گردد که‌مالک، مطلع برآن بوده و یا از عدم مواظبت او تولید شده است.» حسب این ماده برای اینکه زیان دیده بتواند از مالک خسارت بگیرد، باید ثابت کند خراب شدن بنا سبب ورود ضرر بود و این خرابی ناشی از عیبی می‌باشد که یا مالک مطلع از آن بوده است یا از عدم مواظبت او تولید شده است. بنابراین رفتار این افراد با رفتار یک انسان متعارف و معقول سنجیده می‌شود از آنجا که یک انسان متعارف ساختمان خود را با چنین عیبی‌رها نمی‌کند و یا از آن‌مواظبت‌های لازم را بعمل می‌آورد. پس مالک ساختمان مقصر خواهد بود در قانون مجازات اسلامی در مورد مسؤولیت مالک نسبت به ساختمان مقرارت مفصلی دارد که در همه آنها ضابطه قانون مدنی رعایت شده است به عنوان مثال: ماده ۳۴۷ قانون مجازات اسلامی: «هر گاه کسی چیزی را بر روی دیوار خود قرار دهد و در اثر حوادث پیش بینی شده به معبر عام بیفتد و موجب خسارت شود عهده دار نخواهد بود مگر آن را طوری گذاشته باشد که عادتاً ساقط می‌شود.»

۲- مسؤولیت مالک یا متصرف حیوان:

حسب ماده ۳۳۴ ق. م قانون مدنی: « مالک یا متصرف حیوان، مسؤول خساراتی نیست که از ناحیه آن حیوان وارد می‌شود مگر اینکه در حفظ حیوان، تقصیر کرده باشد؛ لیکن در هر حال اگر حیوان بواسطه عمل کسی منشاء ضرر گردد فاعل آن عمل، مسئوول خسارات وارده خواهد بود.»

مفاد ماده ناظر به صورتی است که نگاهداری حیوان برخلاف متعارف یا نظامات دولتی نباشد به عنوان مثال، نگاهداری پرنده یا سگ و گربه با قوانین و عرف تعارض ندارد پس اگر ضرری از ناحیه این حیوانات به کسی برسد، درصورتی مالک مسؤول است که زیان دیده ثابت کند مالک در حفظ حیوان تقصیر کرده است ولی، نگاهداری حیوانات وحشی یا مارهای سمی، خود نوعی تقصیر است. بنابراین هر گاه حیوانات موجب اضرار اشخاص شوند. زیان دیده نیازی به اثبات بی مبالاتی مالک یا متصرف در حفظ حیوان ندارد اما اگر عمل دیگری بین تقصیر مالک و ورود ضرر فاصله ایجاد کند چندان که عرف آن عمل را علت اصلی و مستقیم ضرر بشمار آورد باید فاعل آن را مسئوول شناخت به عنوان مثال کسی که دارای سگ درنده‌ای است باید درب خانه خود را همیشه ببندد یا سگ را محکم به زنجیر ببندد، درصورتیکه رعایت این امر را نکند و سگ به دیگری آسیب برساند مالک آن مسؤول خسارات وارد شده می‌باشد هم چنین کسی که حیوانی را در تصرف دارد و اگر چه مالک آن نباشد. زیرا کسی که حیوانی را متصرف است ملزم به حفاظت آن می‌باشد و هرگاه در حفاظت آن، کمال احتیاط را بنماید و بدون تقصیر آنها، حیوان موجب خسارت دیگری بشود مالک یا متصرف مسؤول نخواهد بود.

بعنوان مثال، هر گاه گله گوسفندی را مالک شب در زاغه جای دهد و درب زاغه را ببندد و برود، نیمه شب کسی بیاید درب زاغه را بکند و گوسفند ها بیرون آیند و در مزرعه مجاور بریزند و خسارت وارد آورند. مالک گله، مسؤول خسارات وارده نمی‌باشد بلکه مسئوول خسارت مزرعه، کننده درب است که این ضمان حسب قسمت دوم ماده در موردی است که کس دیگری غیر از صاحب یا متصرف حیوان باعث شود که حیوان به دیگری آسیب برساند.

۳- مسؤولیت ناشی از فعل غیر:

این مسؤولیت حسب قانون مسئولیت مدنی شناخته شده است براساس این مسئولیت شخص حسب قانون باید نسبت به رفتار کسانی که با نظارت و هدایت او به کار می‌پردازند و یا به موجب قانون یا قرار داد به او سپرده شده اند. احساس مسؤولیت کند و در انجام این وظیفه خود، اهمال نورزد، قانون گاه او را مسؤول کارهای زیر دستان خود می‌سازد به عنوان مثال مسئولیت کارفرما

نسبت به اعمال کارگران و کارکنان ماده ۱۲ قانون مسؤولیت مدنی،[1] کارفرمایانی که مشمول قانون کار هستند مسؤول جبران خساراتی می‌باشند که از طرف کارکنان اداری و یا کارگران آنان و در حین انجام کار یا به مناسبت آن وارد شده است. مگر اینکه محرز شود.،تمام احتیاط هایی که اوضاع و احوال قضیه ایجاب می‌نموده بعمل آورده یا اینکه اگر احتیاط های مزبور را بعمل می‌آوردند باز هم جلوگیری از ورود زیان مقدور نمی‌بود.

حسب این ماده زیان دیده می‌تواند بطور مستقیم به کارفرما رجوع کند و نیازی به اثبات تقصیر کارگر ندارد کارفرما نیز برای رهایی از این مسؤولیت باید ثابت کند که خود او احتیاط های لازم را بجا آورده است و احراز بی تقصیری کارگر او را معاف نمی‌سازد.

اما اینکه آیا کارفرما متقابلاً می‌تواند به کارگر رجوع کند؟ پاسخ این است که رجوع مشروط بر اینست که کارگر مطابق قانون مسؤول شناخته شود والا اگر ورود خسارت از طرف کارگر بر اساس عیوب در ابزار کار یا موادی که کارفرما در اختیار او گذاشته است، باشد کارگر مسؤول نخواهد بود اما با توجه به اینکه کارگر مباشر در ورود ضرر است اگر ثابت شود که قوه قاهره علت ورود زیان بوده است کارفرما نیز از مسؤولیت بری می‌شود.

حال اگر ضرر به سبب بی مبالاتی کارگر بوده باشد حسب ماده ۱۲ قانون مسؤولیت مدنی کارفرما می‌تواند به کارگر رجوع کند.

- مسؤولیت سرپرست یا محافظ صغیر و مجنون:

از آنجا که براساس قضاوت عرف برای تشخیص تقصیر عامل، رفتار او با رفتار یک انسان متعارف و معقول در همان شرایط وقوع حادثه مقایسه می‌گردد به همین دلیل رفتار یک مجنون یا صغیر نیز با رفتار یک انسان بالغ و معقول سنجیده می‌شود نه براساس رفتار یک کودک به همین دلیل ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی مقرر می‌دارد« هرگاه صغیر یا مجنون یا غیر رشید باعث ضرر شود

---

[1]. ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹/۲/۷: کارفرمایانی که مشمول قانون کار هستند مسئول جبران خساراتی می‌باشند که از طرف کارکنان اداری و یا کارگران آنان در حین انجام کار یا به مناسبت آن وارد شده است مگر اینکه محرز شود تمام احتیاط هائی که اوضاع و احوال قضیه ایجاب می‌نموده، به عمل آورده یا اینکه اگر احتیاط های مزبور را به عمل می‌آوردند بازهم جلوگیری از ورود زیان مقدور نمی‌بود کارفرما می‌تواند به وارد کننده خسارت در صورتی که مطابق قانون مسئول شناخته شود مراجعه نماید.

ضامن است» اما ملاحظه می‌گردد که چون این دسته از افراد دارای اهلیت کامل نیستند عدالت حکم می‌کند که در خصوص آنها انصاف را رعایت کرد به همین دلیل در ماده ۷ قانون مسؤولیت مدنی[1] اگر صغیر یا مجنون به دیگری زیانی برسانند درصورتی که کسی که نگاهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر را قانوناً یا برحسب قرار داد برعهده دارند در صورت تقصیر در نگاهداری یا مواظبت، مسؤول جبران زیان وارده از ناحیه صغیر یا مجنون می‌باشد.

اولاً دلیل مسؤول دانستن این افراد به دلیل اینکه سبب اقوی از مباشر است.یعنی رابطه علیت بین خطای سرپرست مجنون و صغیر با زیان قوی تر از اقدام مجنون یا صغیر است.

ثانیاً اگر در نگاهداری کوتاهی نشده باشد خود مجنون یا صغیر، مباشر اتلاف مال دیگری می‌باشد و ضامن است و هر گاه سبب ورود خسارت شده باشد درصورتی مسؤول است که بتوان عمل او را با مقایسه با کار انسان متعارف و معقول تقصیر شمرد.

٤- رابطه سببیت:

سومین رکن از ارکان مسئولیت، احراز رابطه تسبیب بین تقصیر و ورود ضرر است در موردی که مسؤولیت ناشی از فعل شخص است باید رابطه سببیت بین تقصیر خوانده و ورود زیان اثبات شود برعکس، در فرضی که مسؤولیت از فعل غیر بوجود می‌آید احراز رابطه بدین گونه ضرورت ندارد، ولی باید ثابت شود که میان فعل و کسی که مسؤولیت کارهایش به عهده خوانده است با ضرر رابطه علیت وجود دارد.

مثال: کارگری که هنگام کار یا به مناسبت انجام آن به دیگری ضرر زده است کارفرما باید آن را جبران کند دراین دعوی، رابطه سببیت بین تقصیر کارفرما و ورود ضرر نیازی به اثبات ندارد

---

[1]. ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹/۲/۷:

کسی که نگاهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر قانوناً یا بر حسب قرارداد به عهده او می‌باشد در صورت تقصیر در نگاهداری یا مواظبت مسئول جبران زیان وارده از ناحیه مجنون یا صغیر می‌باشد و در صورتی که استطاعت جبران تمام یا قسمتی از زیان وارده را نداشته باشد از مال مجنون یا صغیر زیان جبران خواهد شد و در هر صورت جبران زیان یابد به نحوی صورت گیرد که موجب عسرت و تنگدستی جبران کننده زیان نباشد.

لیکن بایداحراز شود که ضرر ناشی از فعل کارگر است. هم چنین در مسئولیتی که سرپرست صغیر و مجنون نسبت به اعمال او دارد.

در مورد خسارت ناشی از حوادث وسایل نقلیه موتوری گاه درتصادفی که رخ می‌دهد به رابطه سببیت بین تقصیر راننده و وقوع حادثه توجه می‌شود گاه نیز تنها رابطه وسیله نقلیه با بروز حادثه زیان بار اهمیت پیدا می‌کند و تقصیر و بیگناهی مالک اثری در مسؤولیت ندارد.

اثبات رابطه سببیت با زیان دیده است و او باید در دادگاه نشان دهد که بین فعل خوانده و ایجاد ضرر رابطه علت و معلولی وجود دارد در مقابل خوانده نیز عامل خارجی را در ایجاد حادثه دخیل دانسته و حادثه را منسوب به فعل خود نمی‌داند که باید وجود این عامل را اثبات کند.

الف – اجتماع اسباب: احراز رابطه سببیت، در جایی که یکی از چند علت زیان را ایجاد کرده است ولی نمی‌توان بطور قاطع علت وقوع حادثه را معین کرد به عنوان مثال، گروهی با هم به شکار پرداخته‌اند گلوله‌ای به اسب کشاورزی بخورد و اسب بمیرد معلوم نیست که چگونه باید مسؤول را باز شناخت ؟ کسی مسؤول قرار گیرد که بین کار او و ایجاد ضرر رابطه سببیت عرفی موجود باشد چندان که بتوان گفت بین آن دو ملازمه عرفی وجود دارد.

تفاوت بین اجتماع اسباب با اجتماع مباشر و سبب در این است که اسباب گوناگون رابطه عرفی خود را با نتیجه حفظ کرده است، چندان که نمی‌توان یکی از آنها را مقدمه ایجاد سبب شمرد ولی در فرض اجتماع مباشر و سبب فعل مباشر میان سبب و ایجاد ضرر مانع و فاصله‌ای بوجود آورد که آن رابطه مستقیم را قطع کرده به گونه‌ای که باید آن را سبب علت ورود ضرر یا شرط تأثیر آن به شمار آورد و درخصوص اجتماع اسباب راه حل های گوناگونی پیشنهاد شده است.

۱- نظریه برابری اسباب: حسب این نظریه نباید بین اسباب و شرایطی که زیانی را به بار آورده‌اند تفاوت گذارد زیرا هیچیک از آنها به تنهایی برای ایجاد ضرر کافی نیست و وجود همه آنها ضرورت دارد. ایرادی‌که بر این‌نظریه وارد شده است. این‌است که همه اسباب در ورود ضرر به یک اندازه سهم ندارند ماده ۳۶۵قانون مجازات اسلامی[1] از راه حل برابری اسباب تبعیت کرده است.

[1]. ماده ۳٦٥ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰: « هرگاه چند نفر با هم سبب آسیب یا خسارتی شوند بطور تساوی عهده دار خسارت خواهند بود.»

۲- نظریه سبب نزدیک و بی واسطه:

دراین نظریه، تنها نزدیک ترین وآخرین سبب مسؤول قرار می‌گیرد و اسباب دورتر فراموش می‌شود. اما ایرادی که به این نظریه وارد شده است این است که در بیشتر موارد نزدیک ترین سبب ها، موثرترین آنها نیز است ولی گاه نیز سبب قوی تر دورتر است و بی اعتنایی بدان نتایج غیر عادلانه و نامطلوبی را به بار می‌آورد.

بعنوان مثال هرگاه ماشین از سمت چپ جاده در حرکت باشد پس رهگذری یکباره به خیابان برود و با ماشین برخورد کند. هیچکس نمی‌تواند رهگذر را که مرتکب آخرین تقصیر شده است مسؤول بداند و راننده متخلف رامصون از تعرض بشناسد. پس باید به درجه تأثیر عواملی که در ایجاد حادثه موثر بوده‌اند توجه کرد.

۳- نظریه سبب مقدم در تأثیر:

هر گاه دخالت و تاثیر چند سبب در ورود ضرر همزمان نباشد ضمان برعهده سببی است که زودتر تأثیر کرده و این سبب مقدم بر دیگری بوده است، به عنوان مثال کسی که چاهی درمعبر عام حفر می‌کند و دیگری سنگی در کنار آن می‌نهد و رهگذری در اثر برخورد با سنگ بلغزد و در چاه بیفتد کسی که سنگ را نهاده سبب اصلی و ضامن است زیرا باعث لغزیدن رهگذر شد و همین امر او را به چاه افکنده است.

این نظریه در جایی که هر دو قصد اتلاف مال را دارند. قابل ایراد است و نمی‌توان حفر کننده را دراین خصوص ضامن ندانست.

در ماده ۳۶۴ قانون مجازات اسلامی[1] هر گاه دو نفر عدواناً در وقوع جنایت، به نحو سبب دخالت داشته باشند نظریه سبب مقدم را مورد نظر قرار داده و فردی را که سنگ را در سر راه قرار داده است مقصر می‌شمرد نه حفر کننده چاه را ولی اگر عمل یکی به نحو عدوان و دیگری غیر

[1].ماده ٣٦٤ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰: «هرگاه دو نفر عدواناً در وقوع جنایتی بنحو سبب دخالت داشته باشند کسی که تاثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تاثیر سبب دیگری باشد ضامن خواهد بود مانند آنکه یکی از آن دو نفر چاهی حفر نماید و دیگری سنگی را در کنار آن قرار دهد و عابر به سبب برخورد با سنگ به چاه افتد کسی که سنگ را گذارده ضامن است و چیزی بعهده حفر کننده نیست و اگر عمل یکی از آن دو عدوانی و دیگر غیر عدوانی باشد فقط شخص متعدی ضامن خواهد بود.

عدوانی باشد فقط شخص متعدی ضامن خواهد بود این حالت مربوط به زمانی است که اسباب در طول یکدیگر قرار دارند.

(مثلاً ابتدا چاه حفر شده و سپس سنگ قرار داده شود)

٤- نظریه سبب متعارف اصلی:

به سبب این نظریه باید بین سبب ورود ضرر و شرایطی که زمینه را برای تأثیر سبب فراهم آورده‌اند تفاوت گذارد و تمام حوادث و شرایطی را که در وقوع ضرر دخالت داشته‌اند نباید در زمره اسباب آن آورد حادثه‌ای سبب است که بر مبنای متعارف و سیر عادی امور، منجر به ورود ضرر شود.

نتیجه‌ای که ازاین نظریات گرفته می‌شود این است که هیچ نظریه علمی و فلسفی نمی‌تواند بطور قاطع حاکم بر مسایل گوناگون رابطه تسبیب باشد آنچه اهمیت دارد این است که، کسی مسؤول قرار گیرد، که بین کار او و ایجاد ضرر رابطه سببیت عرفی موجود باشد چندان که بتوان گفت بین آن دو ملازمه عرفی وجود دارد همین که چنین رابطه‌ای احراز شد عامل آن بایستی مسؤول قرار گیرد و هیچ ضرورتی ندارد که همه عوامل موثر درایجاد حادثه را ارزیابی کرد.

گفتار دوم: اسباب سقوط ضمان در تسبیب

- **قوه قاهره:** یعنی حادثه‌ای خارجی که نتوان به متعهد یا مقصر مربوط کرد. و غیر قابل پیش بینی باشد و شخص برحسب عادت انتظار وقوع آن را نداشته باشد و احتراز ناپذیر باشد یعنی شخص نتواند آن را دفع کنند و گرنه مسؤول است.

شرایط تحقق قوه قاهره نیز بطور نوعی و مجرد از وضع ویژه شخص مورد ارزیابی قرار می‌گیرد یعنی باید انسان متعارف در همان شرایط واقعه نتواند حادثه خارجی را پیش بینی یا در برابر آن مقاومت کند. استناد به قوه قاهره فقط در مسؤولیت های قرار دادی موجب معاف شدن از مسؤولیت است والا در الزامات خارج از قرار داد (مسئولیت مدنی)که تعهد شخص بطور معمول ناظر به احتیاط و مراقبت کردن است خوانده نیازی به اثبات وجود قوه قاهره ندارد و کافی است در دعوای طرح شده احراز شود که تقصیری نکرده است.

البته در مواردی که مسؤولیت حسب قانون مفروض است و تقصیر نقشی ندارد مانند (بیمه اجباری) برای رهایی از بار مسئولیت، ایجاد خسارت را منسوب به قوه قاهره سازد البته باید بین حالتی که قوه قاهره علت منحصر حادثه زیان آور است، و موردی که یکی از اسباب آن محسوب می‌شود فرق گذارد.

در حالت اول، خوانده از مسؤولیت معاف می‌شود (مانند زلزله، و سیل و جنگ وقوع حادثه زیان آور است) اتومبیلی براثر سیل جابجا شده و به منزل دیگری برخورد می‌کند دراینجا مالک اتومبیل مسؤول نیست.

همانگونه که قبلاً گفته شد در غصب قوه قاهره موجب معافیت از مسؤولیت نبود زیرا آنچه که باعث استقرار ضمان بر غاصب بوده، ید غاصبانه او که، ید ضمانی بوده است که از همان لحظه استیلا برمال دیگری محقق می‌یابد و تا زمان رد عین به صاحبش، ادامه دارد حال اگر مالی تا زمان رد به مالکش از بین برود تمامی کسانی که بر این مال استیلا داشته‌اند درمقابل مالک مسؤولیت تضامنی دارند اما در جایی که ید امانی است تنها درصورتی مسؤول تلف مال است که در حفظ آن تقصیر کرده باشد.

حالت دوم اگر تقصیر و قوه قاهره با هم دخالت داشته باشند تنها سببی را که ناشی از تقصیر است یعنی با ضرر رابطه تسبیب دارد، باید او را مسؤول جبران همه خسارت شناخت و اثر حادثه خارجی را نادیده گرفت. رودخانه‌ای طغیان می‌کند که بر اثر آن خسارتی به افرادی وارد می‌شود دلیل طغیان رودخانه ساختن سدی خلاف قانون و طوفان باشد. دراینجا سازنده سد غیر قانونی، مسؤول جبران خسارت است نه قوه قاهره (طوفان)

۲- فعل شخص ثالث:

در مواردی که فعل ثالث تنها سبب ورود ضرر است اثبات این امر کسی را که به ظاهر مسؤول قلمداد شده است مبرا می‌سازد زیرا بین فعل خوانده و حادثه زیان بار رابطه علیت وجود ندارد بعنوان، مثال کودکی در اثر تصادم با اتومبیلی جان می‌بازد دارنده اتومبیل به ظاهر مسؤول زیان هایی است که به بار آمده ولی هر گاه ثابت شود که دیگری به قصد کشتن، کودک را به جلوی اتومبیل پرتاب کرده است و برای راننده امکان پیش بینی یا احتراز از آن خطر وجود نداشته، رابطه

علیت از بین می‌رود و دارنده اتومبیل از پرداخت خسارت معاف می‌شود. زیرا چنین حادثه‌ای در حکم قوه قاهره است.

البته اثبات دخالت فعل ثالث به عنوان علت منحصر درضرر از طرف خوانده، در جایی است که برای خوانده مسئولیتی فرض شده است در غیراین صورت چنانچه علت وقوع حادثه فقط شخص ثالث است و برای خوانده مسئولیتی فرض نشده باشد، خواهان نمی‌تواند رابطه بین تسبیب ورود ضرر و فعل خوانده را اثبات کند، این حالت مربوط به زمانی است که فعل ثالث و خوانده دعوی با هم خسارت به بار آورده اند. در اینجا زیان دیده می‌تواند بهر یک از این دو سبب جهت دریافت خسارت مراجعه کند. زیرا خوانده یا شخص ثالث نمی‌تواند ادعا کند که تنها سبب ورود بخشی از ضرر بوده است. زیرا عمل هر کدام زمینه را برای تأثیر کار دیگر ی فراهم آورده است و مسئولیت را در چنین مواردی نمی‌توان تجزیه کرد.

ماده ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی در این باره می گوید: «هرگاه چند نفر با هم سبب آسیب یا خسارتی شوند بطور تساوی عهده دار خسارت خواهند بود».

البته درجه تقصیر یکی از مهم ترین عواملی است که در این ارزیابی، سهم موثر و قاطع دارد.

۳- تقصیر زیان دیده:

در موردی که زیان دیده نیز خطا کار باشد و تقصیر او یکی از اسباب ورود ضرر به شمار می‌آید.

در موردی که مسئولیت عامل ورود زیان مفروض است. (مانند مسولیت متصدی حمل و نقل یا دارنده وسیله نقلیه موتوری زمینی) اثر تقصیر زیان دیده در صورتی می‌تواند مسئولیت آنها را بری کند که تقصیر زیان دیده را به عنوان یک عامل خارجی احتراز ناپذیر پیش بینی نشده‌ای ثابت کند. ولی اگر دخالت زیان دیده به عنوان قوه قاهره احراز نشود مسؤولیت عامل از بین نمی‌رود. ولی با اثبات تقصیر زیان دیده معلوم می‌شود که تحقق ضرر دو علت داشته است و باید زیانی که به بار آمده بین آن دو تقسیم شود.

گفتار سوم: تصادم وسایل نقلیه

یکی دیگر از موارد دخالت زیان دیده، تصادم دو وسیله نقلیه است.به موجب ماده ۳۳۵ قانون مدنی «در صورت تصادم بین دو کشتی یا دو قطار راه آهن یا دو اتومبیل و امثال آنها مسئولیت متوجه طرفی خواهد بود که تصادم در نتیجه عمد یا مسامحه او حاصل شده باشد و اگر طرفین، تقصیر یا مسامحه کرده باشند هر دو مسئول خواهند بود.» با توجه به قانون بیمه اجباری مسئولیت دارندگان اتومبیل در برابر اشخاص ثالث، مسئولیت مفروض است یعنی تعهد آنان در جبران خسارت منوط به تقصیر نیست.

۱- در موردی که راننده هیچ یک از دو وسیله نقلیه تقصیری ندارد.

این مورد ناظر به حالتی است که یا تقصیر شخص ثالث سبب تصادم شود و یا حوادث خارجی و قهری تصادم را بوجود آورد. (طوفان با خرابی چراغ راهنما)

۲- تصادم در نتیجه تقصیر یکی از دو راننده:

در این صورت بر طبق ماده ۳۳۵ قانون مدنی، مسؤولیت تصادم به عهده او است ماده ۱۶۴ قانون دریائی نیز در تایید همین حکم نسبت به تصادم کشتی ها صادق است «اگر تصادم در نتیجه خطای یکی از کشتی ها باشد، جبران خسارت به عهده طرفی است که مرتکب خطا شده است.»

۳- تصادم در نتیجه تقصیر هر دو طرف:

تصادم در نتیجه تقصیر هر دو طرف واقع شده است مانند اینکه وسیله‌ای از کوچه فرعی، بدون رعایت حق تقدم، به خیابان اصلی برود و با وسیله نقلیه دیگر که در آن خیابان بسرعت در حرکت است تصادم کند. حسب قسمت دوم ماده ۳۳۵ قانونی مدنی، هر دو مسؤول خواهند بود.

اگرطرفین تقصیر یا مسامحه کرده باشد هر دو مسؤول خواهند بود.

اما پرسشی که مطرح است این است که هر کدام چه مقدار از خسارت را باید بپرازد؟

نظریه اول: راننده هر وسیله خساراتی را که به طرف دیگر وارد شده است بپردازد.

نظریه دوم: هر راننده نیمی از خسارات طرف مقابل را بپردازد.

نظریه سوم: خسارت به نسبت درجه تقصیر هر یک از طرفین تقسیم می‌شود.

قانون دریایی در ماده ۱۶۵ نظریه سوم را پذیرفته است.

نظریه چهارم: نه تنها بزرگی وکوچکی تقصیر بلکه بـه تمـام عوامـل دیگـری کـه در ایجـاد خسارت و میزان آن موثر بوده است توجه شود و هر کدام از طرفین را بـه انـدازه‌ای کـه ضـرر زده است مسؤول بشناسد. به این ترتیب معیار تعیین مسؤولیت درجه تـأثیر در ایجـاد حادثـه زیـان بـار است. و تقصیر به عنوان یکی از مهم ترین عوامل این تأثیر مورد توجه قرار می‌گیرد که این راه‌حل را با روح ماده ۱۴ قانون مسؤولیت مـدنی[1] کـه نحـوه مداخلـه در ایجـاد خـسارت را بنـای تقـسیم مسؤولیت قرار داده است.سازگاری بیشتری دارد.

در قانون مجازات اسلامی نیز مواد ۳۳۵ و ۳۳۶ تقسیم به تساوی را پذیرفته اسـت و در قـانون بیمه اجباری تقسیم برحسب درجه مسؤولیت استنباط می‌شود.

گفتار چهارم: آثار مسؤولیت مدنی

در صورتی که تمام شرایط و ارکان مسؤولیت مدنی جمع باشد زیان دیده حق پیدا می‌کنـد کـه جبران خساراتی را که به او وارد شده است بخواهد.

حسب ماده ۳۳۱ قانون مدنی راههای جبران خسارت بیان شده است که درصـورت تلـف مـال باید مثل یا قیمت و درصورت نقص باید از عهده نقص قیمت بر آید با توجه به اینکه احکام جـاری دراین خصوص با اتلاف یکسان است لذا از بیان احکام خودداری میشود.

گفتار پنجم: نمونه‌ای از آرای شورای حل اختلاف درخصوص تسبیب

درخصوص دادخواست خواهان..... به طرفیت خوانده..... به خواسته جبران خسارت وارده به اتومبیل او با جلب نظر کارشناس این شورا قرار ارجاع به کارشناس را صـادر کـه حـسب نظریـه کارشناس که مصون از تعرض طرفین بوده است. خسارت ناشی از ریـزش دیـوار خانـه خوانـده بـه

---

[1].ماده ١٤ قانون مسوولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹/۲/۷: « در مورد ماده ۱۲ *هرگاه چند نفر مجتمعاً زیانی وارد آورند، متضامناً مسوول جبران خسارت وارده هستند.»

* ماده ۱۲ قانون مسوولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹/۲/۷: کارفرمایانی که مشمول قانون کار هستند مسئول جبران خساراتی می‌باشند که از طرف کارکنان اداری و یا کارگران آنان در حین انجام کار یا به مناسبت آن وارده شده است مگر اینکه محرز شود تمام احتیاط هایی که اوضاع و احوال قضیه ایجاب می‌نموده، به عمل آورده یا اینکه اگر احتیاط های مزبور را به عمل می‌آوردند بازهم جلوگیری از ورود زیان مقدور نمی‌بود کارفرما می‌تواند به وارد کننده خسارت در صورتی که مطابق قانون مسئول شناخته شود مراجعه نماید.»

روی اتومبیل خواهان بوده است و دلیل ریزش دیوار نیز غفلت صاحب ملک در نگهداری از آن بوده است و میزان خسارت وارده به مبلغ تعیین نموده است لذا مستند به ماده ۳۲۸ قانون مدنی [۱] خوانده را به پرداخت مبلغ از باب تسبیب محکوم می‌نماید رأی صادره حضوری و ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل تجدید نظر خواهی در دادگاه عمومی محل می‌باشد.

نام و امضاء قاضی شورا

درخصوص دادخواست خواهان.....به طرفیت خوانده.....به خواسته جبران خسارت وارده به ۲۰ اصله درخت لیمو با جلب نظر کارشناس، حسب مدارک ضم دادخواست ملاحظه می‌گردد که کارشناس آتش نشانی دلیل سوختن ۲۰ اصله درخت متعلق به خواهان را سرایت آتش از باغ مجاور به باغ خواهان ناشی بی احتیاطی همسایه در روشن کردن آتش قید کرده است این شورا جهت برآورد خسارت قرار ارجاع امر به کارشناس را صادر که نظریه کارشناس به طرفین ابلاغ و مصون از تعرض مانده لذا مستنداً به ماده ۳۳۱ قانون مدنی [۲] خوانده را به پرداخت.....از باب تسبیب در حق خواهان محکوم می‌نماید رأی صادره حضوری و ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدید نظر خواهی در دادگاه عمومی محل می‌باشد.

نام و امضاء قاضی شورا

---

[1]. ماده ۳۲۸ قانون مدنی: هر کس مال غیر را تلف کند ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد اعم از اینکه از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد و اعم از اینکه عین باشد یا منفعت؛ و اگر آن را ناقص یا معیوب کند ضامن نقص قیمت آن مال است.

[2]. هرکس سبب تلف مالی بشود باید مثل یا قیمت آن را بدهد و اگر سبب نقص یا عیب آن شده باشد باید از عهده نقص قیمت آن برآید.

فصل سوم: استیفاء

مبحث اول: مفهوم استیفاء

استیفاء که به عنوان یکی از منابع تعهد بکار می‌رود، عبارتست از بهره مندن شـدن و انتفـاع از مال یا عمل دیگری است.

استیفاء در معنای عام آن بر دو دسته است. استیفای نامشروع و استیفای مشروع

استیفای مشروع که براساس تراضی یا اذن صاحب حق یا اذن عامل صورت می‌پذیرد. اگـر در معنای عام بکار رود شامل تمامی قرار دادها و عقود معین می‌شود.

استیفای مشروع در معنای خاص آن در جایی بکار می‌رود که شخص براسـاس تراضـی و اذن فیمابین از مال یا کار دیگری منتفع می‌شود یا حقی را تملک می‌کند ولی این تراضی در قالب عقـد یا ایقاع نمی‌گنجد.

استیفای نامشروع در مواردی بکار می‌رود که تصرف در عین یا منافع مـال دیگـری در قـانون عنوان دیگری نداشته باشد و مصداق اکل مال بالباطل است.

مثال: انتفاع و استفاده سارق از خودرو مسروقه از مـصادیق اسـتفاده نامـشروع اسـت و ضـمان اجرت الثمل قهری براساس مواد ۳۳۶ و ۳۳۷ قانون مدنی[1] بر استفاده کننده محقق می‌گردد، یعنـی محدوده استفاده از الزام مندرج در مـواد ۳۳۶ و ۳۳۷ قـانون مزبـور فقـط شـامل اسـتیفای مـشروع نمی‌شود بلکه بطریق اولی که این ضمان در استیفای نامشروع نیز بکاربرده می‌شود.

گروهی از حقوقدانان معتقدند که ماهیت حقوقی استیفاء شبه عقد است زیـرا براسـاس تراضـی فیما بین آنها انجام می‌شود ولی چون دارای تمامی شرایط عقد نیست و فاقد عوض معین است بـه همین دلیل آن را شبه عقد می‌گویند.

---

[1]. ماده ۳۳۷ قانون مدنی:

هرگاه کسی بر حسب اذن صریح یا ضمنی از مال غیر، استیفاء منفعت کند صاحب مال مستحق اجرت المثل خواهد بود مگر اینکه معلوم شود که اذن در انتفاع مجانی بوده است.

گروهی دیگر آن را عقد و گروهی آنرا ایقاع دانسته، در جایی که تراضی بین طرفین وجود دارد و قصد نتیجه مورد نظر طرفین است در اینجا عقد استیفاء است ولی اگـر در مـوردی قـصد نتیجـه وجود نداشته باشد، مانند امر به انجام کار از سوی مست استیفاء ایقاع است.

ایرادی که بر این نظریه وارد شده این است که مرز بین منابع تعهد را که قرار دادی یا ضـمان قهری است. در هم می‌ریزد. ولی نسبت به نظریه شبه عقد این مزیت را دارد کـه شـامل اسـتیفایی که به اکراه انجام پذیرد، نیز می‌شود.

نتیجتاً استیفاء از منابع ضمان قهری است و مبنای واقعی آن اجرای عدالت و احترام به عرف و نیازهای عمومی است یعنی در جایی که شخصی از مال یا کاردیگری استفاده می‌کند و قـرار دادی که باعث ایجاد دین کنند بین آنها وجود ندارد و کار او زیر عنوان غصب و اتلاف و تسبیب نیز قـرار نمی‌گیرد قانونگذار استفاده کننده را ملزم به پرداخت اجرت المثل می‌کند.

ماده ۳۳۷ قانون مدنی در خصوص استیفاء از عمل دیگری می‌فرماید:

«هرگاه کسی برحسب اذن صریح یا ضمنی از مال غیـر، اسـتیفاء منفعـت کنـد صـاحب مـال مستحق اجرت المثل خواهد بود مگر اینکه معلوم شود که اذن در انتفاع، مجانی بوده است.»

مبحث دوم: شرایط ایجاد التزام

الف- استیفاء از عمل غیر:

برای ایجاد التزام به پرداخت اجرت المثل این شرایط ضروری است.

۱- **امر به اقدام:** التزام به پرداخت درصورتی ایجاد می‌شود که اقدام عامل به امر و درخواست استفاده کننده باشد و گرنه اقدام به کاری خود سرانه، اصولاً برای دیگران ایجاد تعهد نمی‌کنـد هـر چند که از آن استفاده برده باشد.

مثال: اگر کسی بدون درخواست مالک باغ، مبادرت به از بین بردن علف هـای هـرز بـاغ کنـد نمی‌تواند از مالک باغ دستمزدی بخواهد مگر اینکه شرایط اراده فضولی جمع باشد.

البته لزومی ندارد که امر استفاده کننده به صورت دستور دادن باشد بلکه به صورت درخواسـت یا اذن به انجام کار، نیز ایجاد التزام می‌کند.

حال اگر کسی نمایندگی نداشته باشد، امر به انجام کاری دهد که دیگری از مستفید آن شود. چه کسی ملزم به پرداخت اجرت المثل است ؟

به عنوان مثال مباشر اخراج شده ملکی برای جلب نظر مالک از دیگری بخواهد که درختان را آب دهد و خود نتواند دستمزد کار را بدهد آیا مالک الزام به دادن اجرت المثل می‌شود؟

با توجه به صراحت ماده ۳۳۶ قانون مدنی شامل چنین حالتی نمی‌شود اما از منظر استیفای نامشروع می‌شود مورد را بررسی کرد.

۲- **انجام کار مورد استفاده:** الزامی که آمر به پرداخت اجرت المثل پیدا می‌کند، در واقع ضمان ناشی از استیفاء است و پیش از انجام کار مورد استفاده ایجاد نمی‌شود.

۳-**اجرت داشتن کار دردید عرف،** الزام ناشی از استیفاء مشروط بر این است که کار انجام شده در دید عرف کاری با اجرت باشد اعمالی که به قصد احسان انجام می‌شود اجرت ندارد.

۴- **نداشتن قصد تبرع:** درصورتی که عامل به قصد تبرع کاری را برای دیگران انجام دهد از آن بابت نمی‌تواند اجرت بخواهد هر چند که برای آن کار در عرف اجرت باشد یا بطور معمول خود را مهیای دستمزد گرفتن در برابر انجام آن کرده باشد قصد تبرع امری خلاف اصل است که باید ثابت شود.

ب- استیفای از مال غیر

ماده ۳۳۷ قانون مدنی: شرایط تحقق استیفای از مال غیر را معین می‌کند

۱- **اذن مالک:** این عنصر، استیفای مشروع را از استیفای نامشروع به ویژه غصب جدا می‌کند حسب این ماده استفاده کننده ماذون است و به قهر و غلبه بر مال تسلط نیافته است.

۲- **اقدام استفاده کننده:** ظاهر ماده ۳۳۷ قانون مزبور ناظر به موردی است که استیفاء کننده از مالک اذن می‌گیرد و براساس آن اذن از مال او استفاده می‌کند.

۳- **اجرت داشتن استیفای از مال در دید عرف:** استفاده از مال دیگری‌بطور معمول در دید عرف، اجرت دارد و کمتر اتفاق می‌افتاد که منفعتی رایگان تلقی شود ولی اگر به چنین موردی برخورد شود (مانند دادن سه چرخه به کودکی) منتفع الزامی به دادن اجرت المثل ندارد مگر اینکه مالک از قبل مهیای گرفتن اجرت المثل در برابر اذن در انتفاع باشد.

۴- **اذن در انتفاع مجانی نباشد:** در مواردی که اذن در انتفاع بطور صریح یا ضمنی، مجانی است، الزام به دادن اجرت المثل بر استیفاء کننده تحمیل نمی‌شود، هر چند که مالک پشیمان گردد.

اذن در انتفاع، معادل رایگان بودن انتفاع نمی‌باشد زیرا تبرع و مجانی بودن امری خلاف اصل است که باید اثبات شود زیرا قسمت آخر ماده به صراحت درخصوص اینکه اذن در انتفاع مجانی باشد را به طور استثناء بیان می‌کند (مگر اینکه معلوم شود که اذن در انتفاع مجانی بوده است.)

ج- نمونه رأی شورای حل اختلاف در خصوص استیفاء

در خصوص دادخواست خواهان به طرفیت خوانده به خواسته مطالبه اجرت شش ماه استفاده از اتومبیل وی با جلب نظر کارشناس می‌باشد، خلاصه ادعای خواهان اینست که مدت شش ماه است که به درخواست خوانده از خودرو او بهره برداری می‌شود لیکن بدون پرداخت اجرت آن به اینجانب علی رغم تعهد به پرداخت کرایه از ایفاء آن خودداری می نماید، خوانده با اطلاع از موضوع دعوی و جلسه رسیدگی، در شورا حاضر نگردیده و هیچ گونه ایراد و دفاعی بعمل نیاورده است. و با توجه به نظریه کارشناس رسمی دادگستری که میزان اجرت المثل استفاده از خودرو خواهان را به مبلغ.....ریال در مدت زمان مذکور تعیین نموده است، لذا این شورا دعوی خواهان را که اذن مجانی در انتفاع نداده ثابت تشخیص داده و مستنداً به ماده ۳۳۷ قانون مدنی و ماده ۱۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی حکم به محکومیت خوانده به پرداخت..... ریال از باب استیفاء منفعت از خودرو موصوف در حق خواهان صادر و اعلام می‌نماید. رأی صادره غیابی و ظرف مدت به ۲۰ روز پس از ابلاغ واقعی قابل رسیدگی در این شورا است.

نام و امضاء قاضی شورا

منابع

۱. حقوق مدنی، جلد اول، دکتر امامی
۲. ضمان قهری، دکتر ناصر کاتوزیان
۳. قواعد فقه، بخش مدنی، سید مصطفی محقق داماد
۴. قانون مدنی در نظم کنونی، دکتر ناصر کاتوزیان
۵. قانون مجازات اسلامی
۶. پیام آموزش شماره های ۲۲، ۲۳، نقش تقصیر در مسؤولیت مدنی
۷. ترمینولوژی حقوق، دکتر محمد جعفر جعفری لنگرودی

آیا می‌دانید که:

- آموزش همگانی حقوق، شاید از بزرگترین خلاءهای موجود در جامعه باشد.
- رعایت قانون به نفع همه است.
- لازمه رعایت قانون آگاهی از آن است.
- عدم اطلاع از قوانین در دادگاهها پذیرفته نمی‌شود، پس با مسائل حقوقی بیشتر آشنا شویم.
- کسانی که با قانون آشنا هستند کمتر با مسائل و مشکلات حقوقی سروکار دارند.